

سرلشکر صفوی:

بهترین شیوه دفاع، حمله است



مشاور فرمانده کل قوا تاکید کرد: ما نظامیان به این باور رسیدیم‌ایم که هر کس خواهان صلح است، باید برای جنگ آماده شود و بهترین شیوه دفاع، حمله است.

به گزارش تسنیم به نقل از روابط عمومی سپاه، سردار سرلشکر سیدرحیم صفوی دستیار و مشاور عالی فرمانده معزز کل قوا، با اشاره به شرایط حساس منطقه تاکید کرد: ما اکنون در وضعیت جنگ هستیم و هر لحظه امکان فروپاشی این وضعیت وجود دارد.

وی افزود: آمریکا و رژیم صهیونیستی معتقدند صلح از مسیر قدرت حاصل می‌شود و ایران نیز باید قدرت خود را در تمام عرصه‌ها تقویت کند.

سرلشکر صفوی با اشاره به افزایش احتمال وقوع جنگ جدید، تصریح کرد: من ترجیح می‌دهم بگویم ممکن است جنگی جدید در پیش باشد و شاید پس از آن، دیگر جنگی روی ندهد.

وی با اشاره به رویکرد آمریکا و رژیم صهیونیستی اظهار داشت: آمریکا و رژیم صیهونیستی بر این باورند صلح باید از مسیر قدرت ساخته شود، بنابراین ایران نیز باید خود را به سطح بالایی از قدرت برساند.

سرلشکر صفوی همچنین به تأکید بر نگاه نظامیان به بدترین سناریوها افزود: ما نظامیان سناریوها را طراحی کرده و بدترین احتمالات را در نظر می‌گیریم- و برای آن نیز برنامه‌ریزی و آمادگی لازم را داریم.

وی بی بیان اینکه شرایط کنونی به معنای آتش‌بس نیست، تصریح کرد: اکنون در مرحله جنگ قرار داریم و این وضعیت ممکن است هر لحظه فروپاشد.

مشاور عالی فرماندهی معزز کل قوا ادامه داد: نه پروتکل و نه توافق‌نامه‌ای میان ما و رژیم صهیونیستی یا آمریکا وجود ندارد.

سرلشکر صفوی در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت تقویت توانمندی‌های ایران تأکید کرد و گفت: باید منظومه و راهبردهای خود را در حوزه‌های مختلف از جمله حمله، دیپلماسی، رسانه، فضای سایبری، قدرت موشکی و پهپادی ارتقا دهیم.

وی در پایان خاطرنشان کرد: ما نظامیان به این باور رسیدیم‌ه‌ایم که هر کس خواهان صلح است، باید برای جنگ آماده شود و بهترین شیوه دفاع، حمله است.

تقدیر وزیر کشور از میزبانی شایسته دولت و ملت عراق در اربعین حسینی



وزیر کشور در پیامی به وزیر کشور عراق از میزبانی شایسته دولت و ملت این کشور در مراسم اربعین تقدیر کرد.

اسکندر مومنی در پیام خود به عبدالامیر کامل الشمری، وزیر کشور عراق، خدمتگزاری به زور حضرت امام حسین(ع) را توفیق دانست و از خدمات خالصانه برداران و خواهران عراقی در راهپیمایی اربعین تشکر کرد.
وزیر کشور تاکید کرد: حماسه حضور بی‌ظیر مردم در کنگره عظیم اربعین‌حسینی(ع) همراه با حماسه حضور مواکب مردمی خدمت‌رسانی به زور حضرت سیدالشهدا(ع) در عراق، نمایش صحنه ایثار، عشق، عاطفه، مودت و محبت میان عاشقان و محبان آن حضرت است.

کشف خانه تیمی موساد برای ساخت پهپاد در تهران



یک خانه تیمی از عوامل سرویس جاسوسی رژیم غاصب صهیونیستی توسط مأموران کشف شد.
به گزارش مهر، مأموران یکی از کلاسترهای مرکز شهر تهران با تکیه بر گزارش‌های مردمی و بررسی‌های دقیق میدانی موفق به کشف خانه تیمی تهیه پهپاد برای عوامل موساد در خیابان نصرت واقع در حوالی میدان انقلاب شدند.

مأموران با بازرسی از این محل تعدادی ریزپرنده و پهپاد کشف و ضبط کردند. تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

پیش از این هم در جریان جنگ ۱۲ روزه بین جمهوری اسلامی ایران و رژیم متخاصم صهیونیستی، شناسایی و انهدام خانه‌های جاسوسی با همکاری مردم انجام شد.

بیانیه جبهه اصلاحات که اخیرا با عنوان فریبنده «آشتی ملی» منتشر شد، به‌رغم ادعای ارائه نقشه‌راهی برای اصلاحات ساختاری در ایران، در حقیقت چیزی جز یک تسلیف‌نامه محض نیست؛ بیانیه‌ای که نه‌تنها راهگشا نیست، بلکه با لجاجت و کینه‌توزی بیمار گونه نسبت به حاکمیت، مستقیما امنیت ملی ایران را هدف قرار داده است.

منتقدان به درستی این سندر را «ترجمه اظهارات نتانیاهو» و «سند تسلیم» خوانده‌اند، چرا که پیشنهادهای آن عملا ایران را خلع سلاح کرده و به دشمنان سیگنال ضعف می‌فرستد. اما آنچه این فاجعه را راسواتر می‌کند، صدای اعتراض اصلاح‌طلبان خودی، مانند محمدرضا جلالی‌پور است که این بیانیه را «ساده‌انگارانه»، «عقب‌مانده» و «ملت‌سمانه» خوانده و نشان داده آشی که جبهه اصلاحات پخته، آنقدر شور است که حتی همفکرانش را نیز به ستوه آورده.

■ **غرق در توهم، کینه‌توز با واقعیت، خائن به ایران**
جبهه اصلاحات با این بیانیه نشان داد تا چه حد، خود را در باتلاق خیال‌پردازی غرق و در دنیایی موازی زندگی می‌کند. پیشنهاد تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم – که مشخصا یکی از ستون‌های بازدارندگی ایران برابر تهدیدات هسته‌ای و نظامی است و به همین دلیل هم به مساله غربی‌ها تبدیل شده – آن هم در شرایطی که کمتر از ۲ ماه از حملات چیزی جز خودکشی استراتژیک نیست. این پیشنهاد که ظاهرا برای رفع تحریم‌ها مطرح شده، چنان احمقانه است که گویی نویسندگانش فراموش کرده‌اند چگونه مذاکرات برجام با خروج یک‌جانبه ترامپ بلاموضوع شد و پیش‌تر از آن تعلیق غنی‌سازی در دهه ۸۰ هم‌به تشدید تحریم‌ها منجر شد، نه رفع آنها. حالا که ایران در جنگ ۱۲ روزه اخیر اقتدار دفاعی‌اش را به رخ کشیده و سیاست ابهام هسته‌ای باید مورد توجه قرار گیرد، این دعوت به خلع سلاح، نه‌تنها سیگنال ضعف به دشمنان می‌فرستد، بلکه در‌ها را برای حملات نظامی بعداز می‌کند. از سوی دیگر، دعوت به مذاکره مستقیم و عادی‌سازی روابط با آمریکا، آن هم در شرایطی که رژیم صهیونیستی با چراغ سبز و حمایت کامل ترامپ و البته زمانی که مذاکرات تهران – واشنگتن در جریان بود به ایران حمله کرد و بیش از ۱۰۰۰ نفر از هموطنان‌مان را به شهادت رساند، اگر نگوییم خیانت، اوج حماقت است. جبهه اصلاحات عملا ایران را متهم به تخاصم می‌کند و با کینه‌توزی بیمارگونه‌اش، همه تقصیرها را پای جمهوری اسلامی می‌نویسد و تلویحا دشمنان را تبرئه می‌کند. گویی این ایران بود که با حمله به اسرائیل و آمریکا، فرماندهان عالی‌رتبه نظامی، تاسیسات هسته‌ای، دانشمندان و مردم غیرنظامی را هدف قرار داد.

پیشنهادهات جبهه اصلاحات که بیشتر به فهرستی از آرزوهای اسرائیل و ایالات متحده درباره ایران شبیه است، نشان‌دهنده لجاجت گوری است که به دنبال تسویه‌حساب با نظام اسلامی است. این بیانیه که انگار در خلا نوشته شده، هیچ توجهی به واقعیت‌های امروز ایران – از فشارهای اقتصادی تا تهدیدات نظامی – ندارد.



روژه درس‌های بزرگی برای ایران داشت که باعث می‌شود در جنگ‌های احتمالی پیش‌رو، ایران از همان دقایق ابتدایی، موازنه و معادله مطلوب را بر صحنه نبرد حاکم کند.

این واقعیت حتی از چشم صاحب‌نظران و تحلیلگران غرب نیز پنهان نمانده است. نشریه فارن پالیسی در شماره اخیر خود تصریح کرد هرگونه جنگ جدید، باعث نمودار شدن رفتاری متفاوت از سسوی ایران نسبت به جنگ ۱۲ روزه خواهد شد.

فارن پالیسی در همین رابطه نوشت: اسرائیل در حالی از حمله مجدد به ایران سخن می‌گوید که بدون شک با راهاندازی جنگ جدید، ضربات شدیدتر و محکم‌تری از ایران دریافت خواهد کرد. ایران برخلاف رژیم صهیونیستی، متکی به خود است و قدرت آفندی‌اش وابسته به هیچ بازیگر خارجی نیست. در واقع صحنه نبرد، میان یک رژیم کاملاً «وابسته» با یک قدرت کاملاً «مستقل» است.

این تفاوت میان قدرت ایران و رژیم صهیونیستی بسیار مهم است و صحنه جنگ را بشدت متأثر از خود کرده و خواهد کرد. نتانیاهو جنگی ادامه‌دار را علیه ایران آغاز کرده است؛ جنگی که برای استمرار آن بشدت نیازمند همکاری و همراهی حاکمیتی آمریکاست. هر نوع تغییر در این همکاری و همراهی، موجودیت رژیم را به مخاطره خواهد‌انداخت. بدیهی است ریسک این جنگ برای رژیم صهیونیستی به مراتب بیشتر از ایران است، چرا که در این جنگ موجودیت رژیم صهیونیستی کاملاً وابسته است. البته این هم یک نکته بدیهی است که آمریکا تحت هیچ شرایطی حاضر به تنها گذاشتن رژیم صهیونیستی در مقابل ایران



ادامه از صفحه اول
هرچند ظرفیت به‌موردی مانند خروج یکجانبه آمریکا از برجام و حمایت اروپا از حملات اسرائیل به تأسیسات (مانند اظهارات صرناظم آلمان مبتنی بر اینکه اسرائیل «کار کثیف غرب» را انجام می‌دهد) اشاره می‌کند اما راحل نهایی خود را در تغییرات داخلی ایران و در نهایت مذاکره با آمریکا خلاصه می‌کند. این نگرش که ریشه در ایدئولوژی لیبرال – دیپلماسی دارد، چالش‌های ایران با غرب را به «خطاهایی» مانند برنامه هسته‌ای، حمایت از محور مقاومت یا توسعه موشکی نسبت می‌دهد و پیشنهاد می‌کند با «سازش با قدرت‌های بزرگ» و عقب‌نشینی از این مواضع، دشمنان از فشار دست بردارند. اما تاریخ نشان داده این رویکرد نه‌تنها بی‌ثمر، بلکه خطرناک است. دهه ۹۰ خورشیدی با تمرکز بر مذاکرات هسته‌ای به پای برجام سوخت، توافقی که کمتر از ۲ سال به صورت ناقص اجرا شد و سپس با خروج ترامپ به شکست انجامید. حتی پس از برجام، تحریم‌ها ادامه یافت، سردار شهید سلیمانی سال ۲۰۲۰ ترور و حملات سایبری و گاه بعضا

بیانیه ضد ایرانی جبهه اصلاحات، صدای اعتراض سایر اصلاح‌طلبان را هم در آورد

ساده‌انگارانه و عقب‌مانده



«خوش‌بینی به نظم قدیمی جهانی»، موضوع دیگری است که محمدرضا جلالی‌پور در نقد به بیانیه جبهه اصلاحات پیش می‌کشد. او این سوال را مطرح می‌کند: «چرا متن گویی در دهه ۹۰ میلادی و غلبه خوش‌بینی/خوش‌خیالی به نظم تک‌قطبی لیبرال جهانی نوشته شده است و هیچ ردی از تغییرات صحنه جهانی و افزایش قدرت چین و ضرورت بیشتر پیما‌ها و ائتلاف‌سازی‌های جدید منطقه‌ای در آن دیده نمی‌شود؟» با طرح این پرسش، جلالی‌پور می‌نویسد: «با نیروی سیاسی نباید متناسب با درس‌آموخته‌های منطقه و جهان چارچوب‌های تحلیلی و فرض‌های نظری و زبان و رفتارشان را روزآمد کنند؟». جلالی‌پور در ادامه نقد خود، تأکید می‌کند بیانیه جبهه اصلاحات با واقعیت‌های ایران ۱۴۰۴ همخوانی ندارد. برای تشریح این گزاره، او به مقایسه سناریوهای تاریخی می‌پردازد و می‌نویسد: «مثلا اگر این بیانیه نه برای ایران ۱۴۰۴ در این منطقه بعد از درس‌آموخته‌های توسعه‌های توافق‌محور جهان و شکست‌های گذارهای منطقه و شکست‌های اجماع واشنگتنی، بلکه قرار بود مثلا چند دهه قبل برای کره جنوبی وابسته آمریکا در برابر کره‌شمالی وابسته شوروی نوشته شود، چه تفاوت رویکردی داشت؟»

فعال سیاسی اصلاح‌طلب در ادامه، بر عدم درس‌گیری جبهه اصلاحات از حوادث و اتفاقات گذشته صحه می‌گذارد؛ جایی که از جبهه اصلاحات می‌پرسد: «مثلا اگر ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا نبود و همین چند هفته پیش وسط مذاکرات با جنگنده B2 ایران را بمباران نکرده بود یا نسل‌کشی نشده بود، متن این بیانیه چه تفاوتی داشت؟!»

موضوع بعدی که جلالی‌پور برای اثبات رفتار دکم و غیرمنطقی اصلاح‌طلبان پیش می‌کشد، محصور شدن آنها در دوگانه «جنگ/تسلیم» است. او از اصلاح‌طلبان سوال می‌کند: «آیا ایران فقط بین ۲ گزینه تسلیم و جنگ مخیر است؟ آیا گزینه سومی که می‌تواند طراحی و خلق شود، نباید در متن توضیح داده شود؟». سوال بعد او از امصاکنندگان

ایران مشهود است. در این بین ۲ اقدام می‌تواند مجزا از سایر اقدامات و تصمیمات تهران در این جنگ در نظر گرفته شود؛ نخست حمله به پایگاه‌العديد و دیگری، حمله کوبنده و بی‌سابقه کشورمان به سرزمین اشغالی که به ادعای رژیم صهیونی، پس از زمان اعلامی آتش‌بس انجام شد. پیام این ۲ اقدام، یکی آمادگی ایران برای گسترش جنگ و مواجهه با آمریکا بود و دیگری نشان دادن میزان توانمندی و قدرت ایران پس از ۱۲ روز جنگ. ایران در روز یازدهم جنگ با حمله به اعدید، عزم خود برای رویارویی با آمریکا را نشان داد و در ساعات آخر جنگ، بزرگ‌ترین حمله موشکی و پهپادی خود به رژیم صهیونیستی را انجام داد.

در مجموع، هر ۲ اقدام یک پیام واحد داشت: پس از ۱۲ روز جنگ تحمیلی ناعادلانه و ناجوانمردانه، نه‌تنها قدرت ایران تضعیف نشد، بلکه نشان داد توان و قدرت خود را نسبت به روزهای ابتدایی جنگ افزایش هم داده است.

دقت کنید! این رفتار ایران در جنگی بروز کرد که از یک سو مدرن‌ترین جنگ تاریخ بشر تاکنون بوده و از سوی دیگر در تقابل با هماهنگ‌ترین ورژن همکاری‌های واشنگتن – تل‌آویو علیه ایران انجام شد.

در واقع ایران توانست با وجود ناعادلانه بودن این جنگ، یک موازنه مطلوب را در روزهای پایانی جنگ بر میدان نبرد حاکم کند. این موضوع، واقعیت و حقیقت وضعیت موازنه قدرت میان ایران و رژیم صهیونیستی را آشکار کرد. به عبارتی، به فرض، اگر فاکتور آمریکا را از صحنه نبرد خارج کنیم، واقعیت وضعیت موازنه قدرت میان ایران و رژیم صهیونیستی آشکار تر از هر زمانی است. این پیام را همه بازیگران منطقه دریافت کردند.

در واقع بدون حضور آمریکا رژیم صهیونیستی توان رویارویی و مقاومت در برابر ایران را ندارد. جنگ ۱۲ روزه، عالی‌ترین سطح کمک آمریکا به رژیم صهیونیستی در جنگ علیه ایران و حضور مستقیم واشنگتن در جنگ تل‌آویو علیه تهران بود. با این وجود، صحنه نبرد نشان داد ایران با وجود تحمل ضربات سنگین، توان

که در نهایت، این جریان – با وجود تجربه شکست‌خورده برجام

که ترکیبی از امتیاز دادن (کاهش تعداد سانتریفیوژها و میزان و

بیانیه مهم‌تر است: «فرض کنیم ایران حتی به سبک ابومحمد جولانی یکسره تسلیم شود، آیا همان‌طور که نتانیاهو به قوای دفاعی سوریه، آن هم حین مذاکرات جولانی با نتانیاهو و به‌رغم حمایت ترامپ از او، حمله کرد، به بهانه دیگری به ایران حمله نظامی یا اقتصادی نخواهد شد؟».

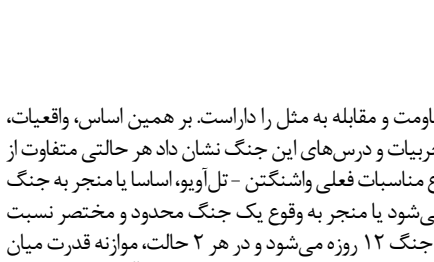
«چرا بعد از حمله ۲ قدرت اتمی به ایران، در متن بیانیه تأکیدی بر ضرورت تقویت قوای نظامی و دفاعی ایران نمی‌شود؟!» این سوال دیگری است که جلالی‌پور از اصلاح‌طلبان می‌پرسد. البته او پاسخ سوالش را در سوال بعد می‌دهد: «با تصور نویسندگان از اقتضات امنیت ملی ایران در این منطقه و جهان بیش از حد ساده‌انگارانه و عقب‌مانده از زمان نیست؟»

تمرکز طبقاتی و نادیده گرفته شدن قشر محروم جامعه، نقد دیگر فعال سیاسی اصلاح‌طلب به جبهه اصلاحات است. جلالی‌پور این سوال را مطرح می‌کند: «چرا ۱۱ پیشنهاد متن، شامل لوازم افزایش تاب‌آوری اقتصادی محروم‌ترین شهروندان ایران – مهم‌ترین قربانیان جنگ – نمی‌شود و صرفا رضایت طبقه متوسط و فرادستان اقتصادی را هدف می‌گیرد؟».

او در ادامه با اشاره به اتهام متخاصم‌جویی به ایران از سوی جبهه اصلاحات، این سوال ساده را مطرح می‌کند: «آیا تنش‌زا و متخاصم‌جو ایران است که در حال مذاکره با آمریکا بود یا نتانیاهو و ترامپ که به ایران حمله تجاوزکارانه کردند؟». جلالی‌پور ادامه می‌دهد: «به فرض پذیرش متخاصم‌جویی ایران، آیا ترک تخاصم و ترک زبان سیاست‌ستیز و تقویت توافق‌گرایی فقط در برابر ترامپ مطلوب است و در سیاست داخلی عبور از قطبی‌سازی و زبان ستیز و تقویت توافق‌گرایی و توافق‌سازی حل مساله‌ای مطلوب نیست؟»

جلالی‌پور در نهایت، پیشینه‌هاات سادهانگاران‌ه و غیرواقعی جبهه اصلاحات را به فهرست آرزوهایی توصیف می‌کند که فراتر از آرزو نه نخواهد رفت. برای فهم عمق انتقاد جلالی‌پور، باید به ریشه‌های گروه «روزنه‌گشاه» بازگشت که خود نمادی از ناراضی‌های اصلاح‌طلبان از رویکردهای لجاجت‌آمیز و کینه‌توزی‌های جبهه موسوم به اصلاحات است. حمیدرضا جلالی‌پور (پدر) و محمدرضا جلالی‌پور (پسر) نیز از اعضای این گروه بودند که بهمین ۱۴۰۲ با انتشار بیانیه‌ای توسط ۱۱۰ فعال مدنی، سیاسی، روشنفکری و رسانه‌ای و با هدف «روزنه‌گشایی» برای توسعه و مردم‌سالاری در شرایطی که جبهه اصلاحات به انفعال و تحریم انتخابات رو آورده بود، اعلام موجودیت کرد. روزنه‌گشاه، جبهه اصلاحات را متهم به سیاسی‌کاری و دور شدن از اصول واقعی اصلاح‌طلبی کرد.دند انتقادهایی که دقیقاً در نقد اخیر محمدرضا جلالی‌پور

به بیانیه تکرار شده است. بیانیه جبهه اصلاحات، پیش و بیش از آنکه راه‌حلی برای بهبود اوضاع باشد، نقشه راهی برای چگونگی تسلیم برابر آمریکا، رژیم صهیونیستی و غرب است.دند صریح محمدرضا جلالی‌پور هم نشان می‌دهد حتی در اردوگاه اصلاحات، این بیانیه به عنوان سندی دور از واقعیت، برآمده از کینه‌توزی و لجاجت و در نهایت خطرناک برای امنیت و منافع ملی ایران دیده می‌شود.



مقاومت و مقابله به مثل را داراست. بر همین اساس، واقعیات، تجربیات و درس‌های این جنگ نشان داد هر حالتی متفاوت از نوع مناسبات فعلی واشنگتن – تل‌آویو، اساسا یا منجر به جنگ نمی‌شود یا منجر به وقوع یک جنگ محدود و مختصر نسبت به جنگ ۱۲ روزه می‌شود و در ۲ حالت، موازنه قدرت میان ایران و رژیم صهیونیستی، قطعا به زیان تل‌آویو خواهد بود. به عبارت ساده‌تر، جنگ ۱۲ روزه، این بار به صورت عملی به همه، خصوصا کشورهای منطقه، واقعیت موازنه میان ایران و رژیم صهیونیستی را نشان داد. همان‌طور که بیان شد، این یک خطر بسیار بزرگ برای موجودیت رژیم صهیونیستی است. نتانیاهو از پنجره فرصت حضور ترامپ در کاخ سفید، بزرگ‌ترین سطح درگیری با جبهه مقاومت و ایران را کلید زد و ناگزیر است تا زمان حضور ترامپ در قدرت، این بازی خطرناک را ادامه دهد، زیرا با بسته شدن این پنجره، رژیم صهیونیستی می‌ماند و خشم متراکمی که به تنهایی و بدون همکاری همه‌جانبه آمریکا یارای ایستادگی در مقابل آن را ندارد. اکنون زمان بشدت علیه رژیم صهیونیستی است.

بر همین اساس صاحب‌نظران و کارشناسان منطقه‌ای و نظامی هشدار می‌دهند ایران باید در شرایط فعلی، ضمن رعایت اصول حفاظتی در عالی‌ترین سطح، در آمادگی کامل نظامی، هم در حوزه پدافندی و هم در حوزه آفندی به سر برد.

مطلفا باید نسبت به این نکته مهم غافل شد که درباره اقدامات بعدی رژیم صهیونیستی، باید هر اقدامی را محتمل دانست و احتیاط را بسیار جدی انگاشت. به‌لا شرایط دیگر مانند قبل از ۲۳ خرداد برای رژیم صهیونیستی مهیا نیست و ایران کلاا هوشیار شده است اما تجربه ۲ سال اخیر و واقعیات مربوط به همکاری آمریکا و رژیم صهیونیستی نشان داده است تخمین اقدامات احتمالی رژیم صهیونیستی در قالب قوانین و قواعد بین‌المللی مربوط به جنگ‌ها یک خطای استراتژیک و خسارت‌بار است؛ رژیم به هیچ قانون و قاعدایی پایبند نیست.

در صد غنی‌سازی) و وعده‌های تحقق نیافته (رفع تحریم‌ها) بود – همچنان به راهکارهای ساده‌انگارانه گذشته چسبیده‌اند. موشک اصلی آنها در ک نکردن «جنگ وجودی» غرب علیه ایران است: آمریکا و اسرائیل، ایران مقتدر و یکپارچه را تهدیدی برای منافع خود می‌دانند و هدف‌شان نه تعامل، بلکه تغییر رژیم و تجزیه کشور است، همان‌گونه که در حمایت از تار آبی‌های سال‌های گذشته ایران با تحریم‌های مختلف مشهود است. تازمانی که این درک اصلاح نشود و سیاست خارجی ایران بر اساس واقعیت‌های ژئوپلیتیک – مانند تقویت همکاری با روسیه و چین در چارچوب بریکس با اقتصاد مقاومتی – بازتعریف نشود، همان گفتمان‌های ۳ دهه گذشته تکرار خواهد شد و ایران در چرخه امتیازدهی بی‌پایان نگه داشته خواهد شد. این دیدگاه‌نه‌تنها دیپلماتیک نیست، بلکه از لحاظ استراتژیک نیز ناکارآمد است، چرا که در جهانی که قدرت‌های نوظهور مانند چین با رویکرد «برد – برد واقعی» پیش می‌روند، اصرار بر مذاکره با غرب بدون همراهی قوی، تنها به تضعیف بیشتر ایران می‌انجامد. مقایسه با ترکیه که با موازنه‌گری بین ناتو و روسیه منافع خود را حفظ کرده، نشان‌دهنده ضرورت تغییر پارادایم واقعی – و نه آرمان‌گرایانه – در سیاست خارجی ایران است.